

چرا نباید کتاب بخوانیم؟

در دنیای امروز، عصر سرعت و ارتباطات، اصولاً کتاب خواندن کار عبث و بیهوده ایست، هر قدر هم کتاب سنگین تر و تعداد صفحاتش بیشتر، عبث تر و بیهوده تر! در دنیایی که همه چیز به سادگی در اینترنت در دسترس است، دیگر کتاب خواندن معنایی ندارد. برای مثال؛ با باز کردن "ویکی پدیا" به دنیایی از اطلاعات گوناگون دست می‌یابید.

نهایتاً اگر بخواهیم خودمان را خیلی به زحمت بیاندازیم، پادکست گوش می‌دهیم. آن هم مشروط بر اینکه پادکست مورد نظر زیاد طولانی نباشد.

بیایید از زاویه‌ی دیگری به مسئله‌ی کتاب خواندن نگاه کنیم. اصلاً این جماعت کتابخوان می‌دانند سالیانه چند درخت قطع می‌شود تا آن‌ها به کتب مورد نظرشان دست پیدا کنند؟! می‌دانند همین کتاب خواندن آن‌ها چقدر به مادر طبیعت صدمه می‌زند؟

همین قطع درختان باعث خشم طبیعت شده و ماحصل خشم طبیعت نیز می‌شود زلزله و سیل.

البته ذکر نکته‌ای مهم و ضروری را فراموش نکنیم؛ هیچ کدام از مطالبی که گفته شد، دلیلی نمی‌شود که ما کتاب خوب نخریم. اجازه دهید این طور بگویم، همان قدر که کتاب خواندن را نفی می‌کنیم، بر کتاب خوب خریدن تاکید داریم! قطعاً نباید خرید کتاب‌هایی با جلد‌های زیبا را برای کتاب خانه‌هایمان فراموش کنیم. ضمناً توصیه مؤکد می‌شود که دو سه نسخه کتاب، مانند "بیشعوری" و... نیز تهیه کنیم تا در کنار یک لیوان قهوه و یک عینک گرد، عکسی استوری پسند به دست آوریم.

حال در مصلی تهران فضای مناسبی آماده شده است، تا ما بتوانیم بیشعوری‌هایمان را تهیه کنیم. نمایشگاه بین المللی کتاب تهران.

صحبت درباره ساندویچی‌ها و امثالهم حرفی تکراری است ولی لطف کنید و بهترین ساندویچی را به نویسنده معرفی کنید. متأسفانه امسال فرصت نمی‌کنم که همه‌ی ساندویچی‌ها را تست کنم. اما خبر بد اینکه گویا بن کارت‌های دانشجویی را نمی‌شود در غرفه‌های اغذیه‌فروشی استفاده کرد. بن کارتی که با آن نتوان پفک خرید به درد جرز دیوار هم نمی‌خورد.

ضمناً ممکن است مقداری پول اضافه بیاورید که توصیه می‌کنم به کتاب‌خوان‌ها قرض ندهید. این همه سر و صدای این جماعت من باب اینکه رقم این بن‌ها کم است، کتاب‌ها خیلی گران شده‌اند، اما کمک دولت تغییری نکرده است، چرا فقط ۶۰ هزار تومان به دانشجویان کمک می‌شود و...، غیرقابل قبول است و تنها اعتراض به حق این است که نمی‌شود با این بن‌ها آیس پک خرید.

اصلاً نمی‌فهمم که چرا دانشجو باید کتاب بخواند؟ در پایان بر خود واجب می‌دانم که تکرار کنم که ما نباید کتاب بخوانیم و از مسئولین که موجبات کتاب‌نخواندن ما را فراهم می‌کنند تشکر و قدردانی می‌کنم.

اجرکم عندا...

#جیب مردم*

کمی رسانه‌ها را از ظرفیت قابل اداره‌اش خارج می‌کنند و بی توجه به عمق و حجم کیفی برنامه‌ها به افتخار تاسیس شبکه‌های جدید کف می‌زنند، سر و کله اسپانسرهای جدید که به دنبال سود کلان از راه سرگرم کردن مخاطب می‌گردند، پیدا می‌شود. چرا؟ چون اداره این رسانه بی حد و حساب توسعه یافته، پول می‌خواهد و دولت ندارد.

مدیران فعلی اما باید پاسخگو باشند. راه‌علاجی که آقایان برای نابسامانی اقتصادی سازمان انتخاب کرده‌اند فاجعه‌ای هم قد و اندازه با کارنامه اقتصادی دولت است. کوتاه‌ترین وصفی که می‌شود برای راهی که سیما برای کسب درآمد پیش گرفته، به کار برد "آنتن فروشی" است؛ به این معنا که صدا و سیما اتاق‌های برنامه‌سازی‌اش را نیمه تعطیل و اتاق بازرگانی‌اش را بزرگتر کرد و برنامه‌سازی را در راستای رسیدن به هدف والای پول‌سازی قرار داد و در این راه از انواع و اقسام روش‌های معمول و غیر معمول چه "روبیکیو"‌ها باشد چه "برنده باش‌ها" استفاده کرد. البته این روندی نیست که در چند ماه اخیر رخ داده باشد. این حاصل سال‌ها (به خصوص دو سال اخیر) نگرش اقتصادی به مهمترین رویدادهای فرهنگی کشور بود که باعث شده اسپانسرهای تعیین‌کننده محتوا باشد و نه دانش‌آموختگان این حوزه! اما حالا که ایرادات چنین رویکردی بر همگان واضح شده، خوب است که آقایان رئیس و معاون در صدا و سیما فکری به حال اصلاح و تغییر این روند بکنند و چون علی‌فروغی فقط بخش حرام بودن پول حاصل از مسابقه را نشنوند و به تذکر رهبری هم مبنی بر این که ملت را به سمت کار و تلاش و نه نشستن و انتظار معجزه در مسابقات، ترغیب کنند، توجه کنند؛ تا بلکه این کارگاه‌های سوال و جواب‌های به درد نخور و توزیع پول به مخاطب از رونق بیافتد و شاهد برنامه‌های پرمحتوا و جذاب تر باشیم.

البته که در اشتباه بودن سیاست‌های رئیس این سازمان هنوز سخن‌ها فراوان و قلم‌ها باید نگاشت، اما فی الحال به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

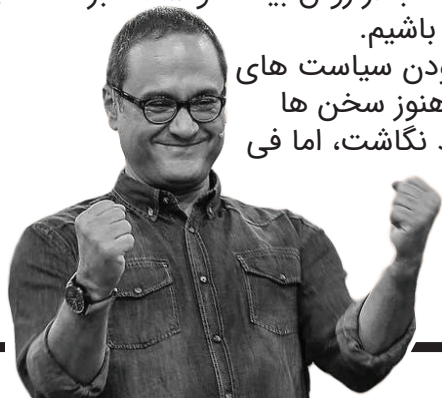
سر و صداهایی که چند روز اخیر در باب برنامه‌های تلویزیونی مثل "برنده باش" به راه افتاد، توجه خیلی‌ها را به واقعیت‌های سازمان صدا و سیما که سیاست‌گذار مستقیم فرهنگی کشور است، جلب کرد. حالا ایراد شرعی یکی از مراجع تقلید و البته انتقاد مبنایی تر رهبر معظم انقلاب از فضای حاکم بر تلویزیون مبنی بر اینکه "ما باید فرهنگ کار و تولید و تلاش را ترویج کنیم. این روحیه نشستن و ثروت بادآورده را، انتظار کشیدن را باید از بین برد. این را نباید ترویج کنیم و دستگاه‌های مختلف صدا و سیما و دیگران باید متوجه این معنا باشند که نوع کارهایی از قبیل بخت‌آزمایی را ترویج نکنند"، مدیران سیما را به تغییر دادن مسیر ریل‌های این قطار ناکجما مقصد فرا می‌خواند.

بگذارید با هم کمی درباره این روزهای صدا و سیما صحبت کنیم. روزهایی که نتیجه سیاست‌گذاری‌های غلط چندین سال پیش است.

اگر صدا و سیما را یک سازمان فرهنگی-اجتماعی بدانیم که وظیفه خطیر فرهنگ‌سازی را عهده دار است، باید جایی مثل دولت را محل ارتزاق آن در نظر بگیریم تا چنین ارگان اثرگذاری بتواند با فراغ‌بال به اهداف فکری و محتوایی خودش بپردازد. اما این تنها یک حقیقت است و با واقعیت فاصله‌ها دارد. وقتی جیب دولت مستقر، در پرداخت همان رقم‌های مصوب قانونی به صدا و سیما، خالی است به ناچار هدف درآمدزایی و کسب معاش اقتصادی از اهداف ردیف اول آن سازمان می‌شود و مدیران سازمانی سیما که عملکردشان پیش‌روی میلیون‌ها مخاطب قرار دارد برای اینکه منابع لازم را به دست آورند سراغ راه‌های غیر معمول و خطرناک می‌روند و اوضاع چنین می‌شود که می‌بینید: "جعبه سیاه مروج بخت‌آزمایی!"

یک سوال:

اگر شما خواننده عزیز پول نداشته باشید، آیا خانه خود را روز به روز بزرگتر می‌کنید تا بیش از پیش گرفتار پر کردن و تهیه وسایل برای آن باشید؟ جواب قطعاً خیر است؛ اما اتفاقی که در سیمای ما افتاد کاملاً برعکس این پاسخ بود. در شرایطی که منابع اقتصادی دولتی صدا و سیما کفاف همین چند شبکه‌اش را هم نمی‌داد، ما شاهد افزایش روزافزون تعداد شبکه‌ها و بخش‌های مختلف بودیم. انگار همه دنبال پیشرفت کمی این رسانه‌ی مهم بودند نه کیفی! وقتی حجم



#تا_۱۴۰۰_با_اینترنت_شاهد!

امروزه اگر از یک دانشجو بررسی که پنج نیاز اول اساسی ات را لیست کن، حتما اینترنت جزو اصلی این لیست پنجگانه اش خواهد بود. اولویت‌ها ممکن هست فرق کند اما همچنان از اهمیت بالایی برخوردار است.

حال در این شماره خوب است که به این نیاز اساسی کمی بپردازیم.

آنچه که از "نت" شما دانشجویان شاهد در دسترس دارید، عبارت است از ده گیگ ناقابل برای هر دانشجو در ماه. واکنش در این مواقع دو گونه است؛ عده‌ای خدا را شکر می‌کنند و قانع هستند و از طرف دیگر عده ای بازهم خدا را شکر می‌کنند، ولی شاکی هستند و سودای قیاس با دیگر دانشگاه های دولتی را دارند. قانعین که هیچ اما ما هم همچون گروه دوم سودای مقایسه در سرداریم.

سهمیه حجم اینترنت هر دانشجو در ماه، در دانشگاه تهران ۱۲ گیگ، صنعتی شریف ۱۴ گیگ ، علم و صنعت ۱۵ گیگ و امیرکبیر ۲۴ گیگ می باشد.

اما گذشته از مقایسه با دیگر دانشگاه ها که حتما توجیهات مسئولین درباره بودجه و سطح و دانشگاه و ... به دنبال دارد، بدنیست مقایسه ای با گذشته درخشان خودمان داشته باشیم! باشد که راه توجیه را بر ببندیم.

بر همگان واجب است که بدانند در سال ۹۴، حجم اینترنت نامحدود بوده است. در سال ۹۵ اما حجم نت در هرماه ۲۰ گیگ برای دانشجو و در سال ۹۶ این حجم به ۱۵ گیگ تقلیل یافت. سال ۹۷ هم که در خدمتتان بودیم تنها ۱۰ گیگ را برای هر دانشجو در نظر گرفتند.

البته پیش بینی کارشناس ها می گوید که با همین فرمان، تا ۱۴۰۰ به جایی میرسیم که هر دانشجو باید نت‌اش را هم "هات اسپات" کند برای دانشگاه!

از حجم که بگذریم، سرعت خود روضه ای دیگر است. درد سرعت را هیچ کس مثل خوابگاهی‌ها درک نمی‌کند. بعضا طوری است که اگر دانشجو خودش شخصاً پیام‌اش را ببرد شهرستان، زودتر پاسخ دریافت می‌کند تا به امید نت خوابگاه منتظر بماند.

البته که همین افزایش سرعت بهانه‌ای است برای کاهش حجم در سال‌های گذشته. اما اگر از دانشجویان قدیمی هم پرسید، آن‌ها هم تفاوت چندانی حس نکرده اند. (بگذریم که چه بسا بدتر هم شده باشد.)

تا اینجا، بحث درباره خود اینترنت بود. شنیدن داستان های پرماجرایی وای فای ها و آنتن دهی‌شان در خوابگاه ها یکی از جذابیت های زندگی دانشجویی را تشکیل داده است. فی المثل مورد داشته ایم، طرف در کمد نشسته تا آنتن را شکار و پیام خود را ارسال کند. یا درباره شخصی فکر شده بود که در دستشویی (البته گلاب به رویتان) دعوت حق را لبیک گفته است ولی پس از تلاش های بسیار متوجه شدند که وی نت را در آن مکان پر آنتن یافته بود و مجالی برای چت کردن با آشنایان.

خلاصه‌ی مطلب اینکه مشکلات اینترنت دانشگاه کم نیست و می‌تلبد که مسئولین مربوطه با توجه به صرف این همه هزینه و بودجه برای کل این سیستم ، راهکاری برای استفاده راحت تر و بهتر هم بدهند.



ایمان حیرانی | جانشین سرمدیر

"سلسله نشست های انتقال تجربه"

نشست های انتقال تجربه از جمله جلساتی هست که برای گفتمان دانشجویی در خصوص مسائل روز و انتقال تجربه فرد ارائه دهنده برگزار میشه! جلسه ای که تو اکثر دانشگاه ها و رشته های کشور برگزار میشه ولی دانشگاه ما تا به حال تمرکزی روش نداشته.

ولی خب مهم ترین نکته اینجا است که خلأ این جلسات تو رشته هایی که تئوری هستند و نیاز به شناخت بازار کار دارند، بیشتر احساس میشه؛ بچه های رشته ی مدیریت و جدیدا رشته مهندسی از مشتری های پر و پا قرص این جلسات هستند!

پیاده سازی ایده این کار، از سمت استاد گرانقدر دکتر امین حبیبی راد بود و با حمایت های ایشون روز ۲۶ فروردین اولین جلسه این نشست کلید خورد!

برگزاری این جلسه کمی متفاوت با بقیه نشست های انتقال تجربه صورت گرفت. تصمیم گروه برگزار کننده این هست که ارائه دهنده از دانشجویها باشه و از تجربیات خودش در حوزه خاص مدیریتی صحبت کنه. تصمیم بر این هست که موضوع این جلسات مباحث تخصصی مدیریت باشد و این رویه در ادامه امکان تغییر داردا!

جلسه اول انتقال تجربه با موضوع اکوسیستم استارت‌آپی با ارائه زهرا تقی نژاد از دانشجویان ورودی ۹۵ مدیریت بازرگانی برگزار شد که مباحث مطرح شده در جلسه شامل فرهنگ سرمایه گذاری، مراحل سرمایه گذاری استارت‌آپ ها و معرفی استارت‌آپ های حوزه IT و خدمت رسانی.

ولی خب ادامه ی این مباحث جلسه دوم انتقال تجربه رو شکل داد که این جلسه به معرفی استارت‌آپ های IOT و تولید محصول و داوری اساتید درمورد هر دو جلسه، پرداخته شد

"کانون کارآفرینی"

و اما می‌رسیم به کانون پرترفدار و پر بحث امروزی که جای خالیش به شدت حس می‌شد؛ کانون کارآفرینی! کانونی که از مدتها پیش پیگیری برای تاسیس و شروع به فعالیت‌اش رو شروع کرده بود و تازه ابتدای همین ترم به نتیجه رسید. این کانون اولین کارشون رو با درست کردن کانال شاهدکار آغاز کرد. کانالی که برای بچه‌های دانشجو که دنبال کار پاره وقت مناسب هستند یا فارغ التحصیل هایی که دنبال موقعیت های شغلی مختلفی می گردند میتونه خیلی کارآمد باشه. از برنامه‌ها و اهداف این کانون هنوز خبری در دست نیست اما همین قدم اول‌شون اونقدر امیدوار کننده است که می‌تونه نوید بخش این باشه که در ادامه شاهد کارهای بیشتری ازشون باشیم.

فاطمه سادات ساجد | سرمدیر



"کانون شعر و ادب آدینه"

از سال ۹۴ که در کانون‌ها در دانشگاه تخته شد، خبری از کانون ادبی و هنری نبود. خبر خوبی که امسال بچه های ادبیات‌دوست را خوشحال کرد و سر ذوق آورد، تاسیس شدن یک کانون جدید به همون اسم قدیمی "کانون شعر و ادب" و با پسوند جدید "آدینه" بود. مصر بودن و پیگیری‌های تیم موسس این کانون از معاونت فرهنگی دانشگاه، برای تاسیس این کانون قابل ستودن. تیم تسنیم به ثمر نشستن تلاش‌های این عزیزان رو بهشون تبریک میگه و براشون آرزوی موفقیت می کنه. قرار هست این کانون جای خالی فعالیت‌های ادبیاتی را توی دانشگاهمون پر کنند و فعالیتهایی مثل برگزاری جلسات ادبی هفتگی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی ادبی، برپایی مراسم شعرخوانی و همایش‌های پرشور ادبی و همچنین استعدادیابی توانایی های ادبی بپردازد. اگر شما خواننده محترم علاقه به فعالیت‌های ادبیاتی دارید سری به پیج رسمی این کانون به آدرس @adine_shu در اینستاگرام بزنید.

"کانون خیریه طبیب"

خبر خوب بعدی تاسیس یک خیریه دانشجویی باحال از نوع طبیب اش. خیریه ای که علاوه بر کارهایی مثل جمع‌آوری ارزاق، به کارهای خیر درمانی هم می پردازه و هر از چندگاهی نیازمندان را از چکاپ پزشکی بی‌نیاز می‌کنه. دانشجویها از رشته های مختلف در این خیریه سعی می کنند که به سه هدف اصلی شون یعنی:

کمک های مادی و معنوی به بیماران کم بضاعت، فرهنگ‌سازی کار خیر و انجام خدمات اجتماعی و کمک به دانشجویان کم بضاعت دانشگاه، برسند. از جمله برنامه های آینده این خیریه هم میشه به: جمع آوری کمک هزینه های درمانی، برگزاری بازارچه خیریه، برگزاری نشست های دانش افزایی و بازدید از بیمارستان ها و کودکان بیمار اشاره کرد. برای اطلاع از برنامه ها و همکاری با این کانون هم میتونید عضو کانال @tabibcharity بشید.



@anjoman_eslami_shahed

@anjoman.eslami.shahed